



تیم ملی فوتبال؛ از ایران ۱۹۷۸ تا ایران ۲۰۲۶

نه خودزنی نه خودبزرگ‌بینی



گزارش فریدون حسن

تیم ملی فوتبال ایران تنها یک گام تا صعود به جام جهانی ۲۰۲۶ فاصله دارد. عملکرد شاگردان امیر قلعهنویی در شش بازی گذشته به گونه‌ای بوده که با کسب پنج پیروزی و یک تساوی با ۱۶ امتیاز صدرنشین گروه اول مسابقات مقدماتی در قاره کهن هستند؛ نتیجه‌ای که چیزی جز اقتدار در مورد آن نمی‌توان گفت، دلیل این مسئله هم وضعیت عربستان، کره جنوبی و استرالیا در گروه‌های دیگر این مسابقات است. تیم ملی در شش بازی گذشته ۱۲ گل به ثمر رسانده است، یعنی به طور متوسط در هر بازی دو گل. ایران در شش بازی گذشته خود پنج گل دریافت کرده است که البته می‌توانست آماری بهتر باشد، ولی در کل چیزی نیست که بتواند خطری را متوجه تیم ملی کند، با این حال همین پنج گل باعث شده است خیلی‌ها چشم‌شان را به روی بقیه موفقیت‌ها و فاکتورهایی که باعث برتری تیم ملی شده است، ببندند. چشم‌ها را ببندند و دهان‌شان را باز کنند و مثلاً خودشان را دلسوز تیم ملی و فوتبال ایران معرفی کنند. جالب است که هر چه موفقیت‌های تیم ملی بیشتر هم می‌شود، این انتقادها هم بیشتر می‌شود و برای اثبات ادعاهای مسخره‌شان حتی متوسل به زمان قبل از انقلاب هم می‌شوند که ایران با مربی ایرانی در آن سال‌ها به جام جهانی رسیده است.

بله به جام جهانی صعود کردیم، ایران در روزهایی که فوتبال آسیا اصلاً محلی از اعراب نداشت و به زحمت می‌شد یک تیم قابل را در آن پیدا کرد، راهی جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین شد. در سال‌هایی که نه اسمی از ژاپن بود، نه کره جنوبی عددی محسوب می‌شد و نه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌دانستند فوتبال یعنی چه؟ با وجود این ایران که طی آن سال‌ها در مسیر حرفه‌ای شدن گام برمی‌داشت و برخلاف این روزها خبری از انواع و اقسام تحریم‌ها نبود و در قهرمانی آسیا هم

موفقیتی که تنها جزئی از فوتبال است

■ دنیا حیدری

صعود تیم ملی فوتبال ایران به رده هجدهم دنیا اتفاق خوب و خوشایندی بود چرا که آمار و ارقام نیز جزئی از فوتبال و موفقیت‌های آن است، اما فقط جزئی از آن نه تمامش؛ مسئله حائز اهمیت‌ی که بعد از هر آمار و ارقامی باید به آن توجه داشته باشیم، در غیر این صورت اینچنین موفقیت‌هایی نه فقط زمینه‌ساز پیشرفت‌بیشتر و بهتر نمی‌شود که بالعکس، شرایط را برای درج‌ازدن و حتی پسرقت مهیا خواهد کرد که اتفاقا فوتبال ایران متأسفانه در دو مورد آخر مستعدتر است!

این نخستین باری نیست که ایران موفق می‌شود در بین ۱۸ تیم‌برتر دنیا قرار گیرد. فوتبال ایران، پیش از این در سال ۲۰۰۵ نیز ایستادن بر رده هجدهم رنکینگ جهان را تجربه کرده بوده موفقیتی که متأسفانه نه توانست آن را حفظ کند و نه بهبود بخشد، حال اما بعد از گذشت ۱۹ سال، یک‌بار دیگر توانسته است حضور در جمع ۱۸ تیم برتر دنیا را تجربه کند؛ تجربه‌ای که ای کاش این بار با درس گرفتن از اتفاقات گذشته و مرتبه قبل، بتوانیم در راستای حفظ و ارتقای آن گام برداریم تا شاهد تداومش باشیم. در غیر این صورت، موفقیتی که برای دومین بار تکرار شده، بار دیگر از دست خواهد رفت. کافی است تنها به این ببندیم که در جایگاه هجدهم دنیا و بالاتر از تیم‌هایی چون کره جنوبی، استرالیا و ولز هستیم؛ تیم‌هایی که از همین امروز برای کسب نتیجه در فینال‌های بعدی جهت ارتقای جایگاه خود در رنکینگ جهان برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند و این یعنی نباید تحت هیچ عنوان در یاد دستانی مجدد به رنکینگ هجدهم جهان خوابید که در صورت انجام چنین کاری باید خود را آماده سقوط آزاد در همین رنکینگ کنیم که امروز از صعود آن شادمانیم! ارتقای رنکینگ اتفاق خوبی است، به شرط آنکه از آن برای کسب موفقیت بهره ببریم، در غیر این صورت این آمار و ارقام‌ها کوچک‌ترین اهمیتی نخواهند داشت که اگر داشتند، تیمی چون قرقیزستان که رده صدم دنیا را در اختیار دارد، نباید می‌توانست دو مرتبه دروازه ایران، نام رده هجدهم جدول را باز کند یا تیمی چون کره شمالی با حضور در رده ۱۱۶ دنیا باید خواب گلزنی به ایران را می‌دید نه آنکه در عین ناواری موفق به زدن دو گل برابر بوزها شود؛ اتفاقاتی که ثابت می‌کند اگر چه این اعداد و ارقام بی‌اهمیت نیستند اما تنها جزئی از فوتبال هستند و نه همه آن که اگر بودند، امروز باید بعد از ۱۹ سال به جایگاهی به مراتب بهتر از آنچه سال ۲۰۰۵ تجربه کرده بودیم، دست می‌یافتیم!

«منتقدان» دشمن نیستند

انتظارات از تیم ملی فوتبال ایران بالااست، اما نتایج راضی‌کننده نیست، حتی بردهایی که آمار و ارقام قابل توجهی را به دنبال داشته است. شاید همین مسئله باعث شده است باوجود صدرنشینی ایران در گروه، همچنان شاهد انتقادهای زیادی باشیم؛ انتقادهایی که نه سرمربی تیم ملی گوش شنیدنش را دارد و نه فدراسیون آن را برمی‌تابد. صد البته که هر دو مدعی هستند گوش شنوایی برای شنیدن انتقادهای درست و بحق دارند اما واقعیت این است که هیچ انتقادی را تاب نمی‌آورند، چه انتقادهایی که به شکل مغرضانه و چه انتقادهایی که براساس روند نتیجه‌گیری تیم و عملکرد آن در زمین بازی مطرح می‌شود؛ انتقادهایی که گاهی حتی نیاز به اثبات هم ندارد، مثل اشکالات و ایرادهایی که در امر گلزنی یا بسته نگه‌داشتن دروازه مقابل حریفان وجود دارد. آن هم حریفان درجه ۲ و ۳ آسیا! اما هر بار پاسخ‌هایی که بیشتر به توجیه می‌ماند، نشان از عدم تحمل مسئولان تیم ملی و فدراسیون فوتبال در مقابل انتقادها دارد، حال آنکه قلعهنویی درست مانند تاج بارها و بارها تأکید کرده است انتقادهای در ست می‌تواند باعث کاهش بار مشکلات شود و گره‌باز کن باشد. شاید با همین نوع نگاه هم بود که وقتی سکان هدایت تیم ملی فوتبال ایران را به دست نداشت، اشکالات و ایرادهای تیم ملی را برمی‌شمرد؛ چه زمانی که این تیم تحت هدایت کی‌روش بود، چه زمانی که ویلموتس در رأس امور قرار داشت و چه دیگر مواقع!

درستش هم همین است. اینکه افراد کاربلدی که به این حوزه آشنایی و اشراف دارند، اشکالات و ایرادهایی را که از بیرون می‌بینند، به سرمربی تیم ملی و دستیارانش گوشزد کنند و به این شکل گامی برای موفقیت تیم ملی فوتبال کشور بردارند، اما قلعهنویی امروز که خود سکان هدایت تیم ملی را در دست دارد، گوش شنوایی برای سیردن به منتقدان ندارد و برابر کوچک‌ترین انتقادهایی به شدت واکنش نشان می‌دهد و گاه حتی مدعی می‌شود آنها که او را نمی‌خواهند، صرفاً جهت اینکه سکان هدایت تیم ملی را در دست دارد، اقدام به زدن این تیم می‌کنند! حال آنکه عمده منتقدان تنها برای حل‌وفصل مشکلات است که لب به سخن می‌کشانی و با بیان اشکالات و ایرادهایی که می‌بینند، صرفاً قصد کمک دارند نه بیشتر و نه کمتر، اما نوع نگاه قلعهنویی و حتی فدراسیون فوتبال به گونه‌ای است که در صورت اشاره به هر مشکلی گارد می‌گیرند و واکنش نشان می‌دهند، آن هم خیلی تند و غیرقابل تصور. این در حالی است که انتقادپذیربودن بیش از هر کس به سود سرمربی تیم ملی فوتبال است و او می‌تواند با نگاهی متفاوت و مثبت به انتقادهای مطرح‌شده، نقاط ضعف تیمش را تقویت کند، به شرط آنکه نظرات ترک عادت کرده و منتقدان را دشمن نبیند که در آن صورت نه فقط مسائل مطرح‌شده از سوی آنها را آویزه گوشش نمی‌کند که بالعکس با بی‌توجهی به آن، به خودش و تیمش ضربه می‌زند.

جایگاهی که باید دنبال ارتقای آن بود

پایان فیفادی آذرمه با اتفاقات خوشی برای فوتبال ایران به همراه بود، هرچند در یافت دو گل از کره شمالی و قرقیزستان اخچ‌های اهالی فوتبال و منتقدان را در هم کسید؛ اما برتری مقابل این دو تیم در هفته‌های پنجم و ششم مرحله مقدماتی جام جهانی در قاره آسیا، اتفاقات خوبی را رقم زد. شاگردان امیر قلعهنویی به عنوان تنها تیم بدون باخت گروه ۸ه که در این مرحله چهار برد و تنها یک تساوی به دست آورده بودند، نه فقط صعودی مقتدرانه با کسب ۱۶ امتیاز را تجربه کردند بلکه توانستند به واسطه کسب ۷/۷ امتیاز مثبت از برتری‌های اخیر برابر کره شمالی و قرقیزستان، مجموع امتیازهای ایران را به ۳۵/۱۳ افزایش دهند و با یک پله صعود، خود را به رده هجدهم رنکینگ جهانی برسانند. اگر چه باتوجه به انتقادها از عملکرد تیم ملی برای بسیاری این صعود یک پله‌ای عجیب و مبهم بود اما یکی از ملاک‌های فیفا برای دادن امتیازهایی که در ارتقای تیم‌ها در رنکینگ تأثیر قابل توجهی دارد، کسب امتیاز در بازی‌های خارج از خانه است و ایران با توجه به برتری در دو بازی متوالی خارج از خانه توانست به امتیاز لازم جهت صعود یک پله‌ای در جدیدترین رنکینگ که بعد از فیفادی نوامبر اعلام شد، دست یابد. حال شاید برخی بر این مهم تأکید داشته باشند که نه کره شمالی حریف قدری بود و نه قرقیزستان، اما برای فیفا جهت امتیاز دادن به تیم‌ها، حریفان اهمیتی ندارد و تنها چیزی که ملاک قرار می‌گیرد، برتری در مصاف‌های خارج از خانه است. حال می‌خواهد این برتری مقابل کره شمالی به دست آمده باشد یا برزیل و آرژانتین، به همین دلیل نمی‌توان موفقیت کسب‌شده را نادیده گرفت یا حتی زیر سؤال برد، خصوصاً که بعد از ۱۹ سال بار دیگر تکرار شده است، بما باید به دنبال حفظ این جایگاه و ارتقای آن بود. تیم ملی ایران فرصت ارتقای رنکینگ خود در فیفادی بعدی را هم دارد. باتوجه به اینکه در حال حاضر امتیاز ایران هزار و ۳۵۳ است و امتیاز سنگال که در رده هفدهم قرار دارد هزار و ۳۲۷ است، چنانچه ایران در فیفادی بعدی فارغ از نتایج سنگال بتواند از سد ازبکستان و امارات عبور کند، می‌تواند حداقل صعودی یک پله‌ای را تجربه کند و پرسکوئ هفدهم تکیه بزند، هرچند در صورت توقف امریکا، ایران می‌تواند به جایگاه شانزدهم چشم داشته باشد. باوجود این اما هنوز بهترین رتبه تاریخ فوتبال ایران در رنکینگ جهانی به جولای و آگوست ۲۰۰۵ برمی‌گردد که ایران توانست خود را به رده پانزدهم برساند، اما متأسفانه سیستامر همین سال به رده هجدهم سقوط کرد.

حفظ رکورد شکست‌ناپذیری و همچنین ارتقا در رده‌بندی فیفا از جمله موفقیت‌هایی است که تیم ملی با امیر قلعهنویی به دست آورده است، البته این تیم در جام ملتها محک جدی خورد و درست همان جا که باید پیروز می‌شدیم، شکستی تلخ را تجربه کردیم؛ باخت به قطر و از دست دادن جام قهرمانی آسیا. این همان تنها شکستی است که در کارنامه یک سال اخیر تیم کشورمان به چشم می‌خورد که به از دست دادن یک عنوان مهم ختم شد. جدا از این دیدارهای انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ چالشی بوده برای تیم ملی. به رغم کسب نتایج خوب، صدرنشینی در گروه و فاصله اندک تا صعود قطعی به جام جهانی، انتقادها از عملکرد فنی تیم و کادر فنی به قوت خود باقی است. هرچند برخی ایرادات و نقدهای مطرح‌شده بیشتر بوی تسویه حساب شخصی می‌دهند و ناشی از مشکلات قدیمی با سرمربی تیم هستند ولی در بین آنها انتقادهای فنی زیادی نیز کاملاً بجای و قابل بحث بوده‌اند. قلعهنویی نیز دقیقاً مثل رئیس فدراسیون تنها به صدرنشینی در گروه و صعود در رنکینگ توجه می‌کند، درحالی که خودش بهتر از همه کارشناسان از حال و روز فنی تیم و شاگردانش باخبر است. تیم کشورمان در شش بازی اخیر خود در دیدارهای انتخابی پنج پیروزی مهم کسب کرده و تنها مقابل ازبکستان کارش گره خورده است. از جمله مهم‌ترین موارد مطرح‌شده در باب ضعف کیفیت فنی بازی‌های تیم ملی، می‌توان به اشتباهات زیاد مدافعان، گل‌های زده که عمده‌کند در چندان خوب لژیونرها و شکست خوردن در نیمه‌مریبان اشاره کرد. ۱۲ گل برابر تیم‌های ازبکستان، قرقیزستان، کره شمالی (دو بازی)، قطر و امارات به ثمر رسیده، آن هم در حالی که تیم ما لژیونرهایی چون مهدی طارمی، مهاجم اینتر میلان را در اختیار دارد، باید حواس‌مان به آن پنج گل خورده هم باشد چرا که چهار گل از آنها را مقابل قرقیزستان و کره شمالی دریافت کردیم و در هر دو مسابقه از حریفان پیش بودیم. همچنین در هر دو مسابقه قرقیزها و کره‌ای‌ها در نیمه دوم در دست وقتی سه و دو گل از ما عقب بودند، موفق به باز کردن دروازه‌مان شدند. این یعنی تیم در نیمه‌مریبان به جای آنکه بهتر کار کند، ضعیف‌تر شده‌با علاوه اینکه مدافعان تیم قلعهنویی نشان دادند در صورت حمله همه‌جانبه حریفان شکننده هستند و احتمال اشتباه آنها وجود دارد. از بحث جوان‌گرایی و میدان دادن به جوان‌ها نیز به رغم وعده‌های قلعهنویی خبری نیست. به نظر می‌رسد سرمربی تیم ملی همه منتقدان را با یک جوب می‌زند و حتی حاضر نیست ایرادات فنی تیمش را بپذیرد. انتظار می‌رود با برطرف کردن این نقاط ضعف، تیم ملی هر چه زودتر به جمع تیم‌های راه‌یافته به جام جهانی اضافه شود.

پنهان کردن سوءمدیریت‌ها پشت رنکینگ

ارتقا در رنکینگ فدراسیون جهانی این روزها به محل کشمکش فدراسیون و منتقدانش تبدیل شده است؛ از یک‌رو فدراسیون تلاش می‌کند این موفقیت را جزئی از افتخارات و رزومه خود جلوه دهد و از سوی دیگر نیز از این مسئله به عنوان حربه‌ای در مقابل منتقدان استفاده می‌کند. عملکرد تیم ملی فوتبال کشورمان در یک سال اخیر به گونه‌ای بوده که نه تنها اقتی در رده‌بندی جهانی نداشته‌ایم بلکه در آخرین رنکینگ اعلام‌شده از سوی فیفا صعودی یک پله‌ای را نیز تجربه کرده‌ایم. بعد از اعلام رسمی خبر فوق، این سؤال در اذهان ایجاد شده که آیا واقعاً و در عمل هم ایران هجدهمین تیم برتر فوتبال جهان است یا نه؟ علاوه بر این آمار و ارقام دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه تیم ملی ایران در سال ۲۰۲۴ به‌ترین نتایج را در بین همه تیم‌های ملی دنیا کسب کرده است؛ ۱۵ پیروزی، دو تساوی و یک باخت در ۱۸ بازی. موضع‌گیری مهدی تاج بلافاصله پس از اعلام این آمار در نوع خود جالب توجه بود: «حتی از اسپانیا و آرژانتین نیز بالاتر هستیم». این ادعا روی کاغذ درست است ولی رئیس فدراسیون و اهل فن خیلی خوب می‌دانند در یک سال اخیر بسیاری از حریفانی که ما با آنها بازی کرده‌ایم، قابل قیاس با رقبای ماتادورها و آلبی سلسسته نیستند. صعود در رده‌بندی جهانی اتفاق خوشایندی است اما به‌هیچ وجه نباید دستخوش سوءاستفاده قرار گیرد. وضعیت فوتبال ما جواری نیست که حتی بتوانیم به رنکینگ فدراسیون جهانی دلخوش باشیم. سوءمدیریت‌های صورت گرفته و در جریان این رشته به حدی زیاد است که آواز هاش به آسیا و جهان هم رسیده است. در نتیجه ارتقا در رنکینگ نیز اگر چه در مدیریت فعلی فدراسیون رقم خورده ولی تحت‌هیچ شرایطی فاکتوری برای پوشاندن حواشی، مشکلات و بحران‌های متعدد جاری محسوب نمی‌شود. اینکه از اسپانیا و آرژانتین جلو زده‌ایم، موضوعی است که فقط آقای رئیس به آن اعتقاد دارد و از آن به‌عنوان نکته مثبت مدیریتش یاد می‌کند، و گرنه اهالی فوتبال و حتی هواداران این رشته نیز خوب می‌دانند در چه شرایطی قرار داریم. فدراسیون برای جواب دادن به سیل انتقادهای همیشگی از شرایط حاکم بر فوتبال کشور باید دنبال بهانه‌ها و توجیه‌های بهتری برگردد. به رغم سیر صعودی در رنکینگ فیفا، عملاً هیچ تغییری در سطح فوتبال ملی به چشم نمی‌خورد. تکلیف سطح فوتبال باشگاهی مان نیز که کاملاً مشخص است. مخلص کلام اینکه صعود به رده هجدهم دنیا، انتظارات را بالاتر می‌برد و مهدی تاج و همکارانش از این پس با توقعات بیشتری از تیم ملی مواجه خواهند شد.

هنوز اول آسیا نیستیم

در روزهایی که آقایان بابت هجدهم شدن در رنکینگ فیفا سر پا نمی‌شناسند، حریفان آسیایی مشغول برنامه‌ریزی و نزدیک شدن به جمع بهترین تیم‌های جهان هستند. رئیس فدراسیون در اظهاراتش مدعی شد این آمار و ارقام مثبت، در رنکینگ ژاپن را هم پشت‌سر می‌گذاریم و اول آسیا می‌شویم، در حالی که رنکینگ فیفا نشان داد تیم قلعهنویی هرچقدر هم نبازد، همچنان باید سایه سنگین سامورایی‌ها را بالای سرش تحمل کند. رنکینگ جدید باعث شد همه یاد سال ۲۰۰۵ بیفتیم؛ همان زمان که دو ماه رده‌۱۸ فیفا را در اختیار داشتیم و اتفاقاً آقای آسیا هم بودیم. درواقع رده فعلی ما تکرار همان موفقیت ۱۹ سال پیش است با این تفاوت که همچنان خبری از اول شدن در آسیا نیست، باز هم تأکید می‌کنیم صعود در رده‌بندی جهانی اتفاق خوبی است و باید آن را به فال نیک گرفت، ولی باتوجه به اینکه ما قبلاً هم رتبه هجدهم دنیا را تجربه کرده‌ایم ولی قدرش را ندانسته‌ایم، این بار نیز نمی‌توان خیلی به این رتبه دل خوش کرد. تیمی که تاکنون دو بار خودش را به این جایگاه رسانده قطعاً با مدیریت بهتر و برنامه‌ریزی دقیق از این بهتر هم می‌تواند باشد، منتها مشکل همین مدیریت و برنامه‌ریزی است. رئیس فدراسیون هنوز رده‌بندی اعلام نشده رؤیای پیشی گرفتن از ژاپن را دارد، در حالی که همین ژاپنی‌ها درست از همان ۱۹ سال پیش پیشرفت‌شان را آغاز کردند. ژاپن و دیگر رقبای آسیایی برخلاف ما در باد آمار و ارقام نمی‌خوانند و حتی تیم‌های عربی نیز با الگو گرفتن از تیم‌های اروپایی به تفکر حرفه‌ای روی آورده‌اند. نوع سرمایه‌گذاری، استفاده از نیروهای خارجی درجه یک، تجهیز هر چه بیشتر و بهتر زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی بسیار دقیق، مهم‌ترین فاکتورهای هستند که آقای آسیا را از ما گرفته است. شاید در رنکینگ به غیر از ژاپن، از دیگر تیم‌های آسیایی جلوتر باشیم ولی حقیقت این است که سطح فوتبال‌مان نسبت به گذشته بسیار پایین آمده و این واقعیت را نمی‌توان کتمان کرد. باید بررسی شود که جایگاه ۱۹ سال پیش‌مان را چطور از دست دادیم. متأسفانه از اشتباهات‌مان درس که نمی‌گیریم، هیچ، حتی روی تکرار آنها نیز مصر هستیم. پر کردن رزومه و اضافه کردن ستاره، مهم‌ترین غوغه‌های است که تصمیم‌گیرندگان فوتبال به آن می‌اندیشند و رسیدن به این هدف برای‌شان مهم است و هر پیروزی و صعودی را جواری بزرگ جلوه می‌دهند که گویی پیش از این طمع برد و صعود را نچشیده بودیم.

